

در مجلس شورای اسلامی چه می‌گذرد؟

حذف گوشت و تخم مرغ

از برنا مه غذایی به قیمت تامین علوفه!

مهندس محمد معزالدين عضو کمیسیون دیوان محاسبات مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با کیهان گفت: "اگر بودجه را وسیله‌ای برای اجرای یک برنامه بدانیم، بودجه‌ریزی زمانی بخوبی تحقق پیدا خواهد کرد که برنامه‌های مربوطه دارای ویژگی‌های لازم باشد، آنچه به اختصاص می‌توان گفت آنکه: در شرایط کنونی بودجه باید پاسخگوی نیازهای جنگ با بعبارت صحیح‌تر دفاع برحسب ما در تمام زمینه‌ها باشد..."

البته تا زمانی که ما در لیست برنامه مصرف‌غذای خود مرغ و گوشت گوسفند و ماهی و تخم‌مرغ قرار داده باشیم هرگز نخواهیم توانست از واردات علوفه بی‌نیاز گردیم و از طرف دیگر هرگز جامعه ما تلاش لازم برای تامین بیش از ۲ میلیون تن علوفه وارداتی در داخل را شروع نخواهد کرد. بدیهی است در چنین شرایطی ما هرگز نخواهیم توانست بر مواضع اعتقادی سیاسی خود محکم و استوار بایستیم...

از دیگر ویژگی‌های بودجه خوب، بدون کسری بودن آن است. پیش‌بینی میشود در سال ۶۳ حدود یک میلیارد میلیارد ریال کسری بودجه داشته باشیم که ما را به تورم ۲۳٪ خواهد رسانید. سیاست اتکاء به بانک مرکزی جهت رفع این کسری بمعنی به موضع‌انفعال کشیدن برنامه است...

نگاهی به سهم بخشهای عمده وارداتی ما را به این حقیقت واقف

می‌کند که اگر بر اساس اولویت‌ها و ظرفیت‌های موجود حرکت نکنیم با یک جامعه مصرفی روبرو خواهیم شد که کنترل آن و تصحیح حرکت‌های آن بنظر بعید خواهد آمد. از کل واردات در سال ۶۲ نزدیک به ۲۳/۲۳ درصد مربوط به بخش صنایع ۵۳ / ۱۶ درصد مربوط به بخش بازرگانی و ۱۵/۰۷ درصد مربوط به واردات کالاهای اساسی و سم و کود، ۱۲/۳۸ درصد مربوط به بخش صنایع سنگین، ۷/۱۴ درصد مربوط به کشاورزی و ۲۴/۶۵ درصد مربوط به سایر بخشها می‌باشد و جالب آنستکه درصد کالاهای سرمایه‌ای به کل واردات ۲۷/۷۲ درصد و کالاهای واسطه‌ای ۳۸/۵۰ درصد و کالاهای مصرفی ۳۲/۷۶ می‌باشد که خود بیانگر تمایل جامعه ما به مصرف است که بهیچ روی با شعارهای انقلاب تطابق ندارد..."

نظرات مخالف و موافق

در مورد

لایحه مالیات‌های مستقیم

عباس رحیمی، نماینده دشتستان در مخالفت با لایحه مالیات‌های مستقیم گفت: "... در مقدمه این لایحه آمده است که این لایحه با الهام از احکام دین مبین اسلام تنظیم شده است. این الهام از کجای اسلام گرفته شده و کجای اسلام اینگونه نظامی مالیاتی را تبیین می‌کند؟" وی افزود: "ما یک اصل کلی داریم که مال هر کس بجز خودش محترم است و بدون مجوز نمی‌شود مالش را از او گرفت چه کم و چه زیاد. حرمت مال مسلم، حرمت دم است و ما این را پذیرفته‌ایم. علمای ما

به اینها استدلال می‌کنند و در فتاوی آنان هم گرفتن مال مردم به این شیوه حرام است. اگر می‌خواهیم آن را شرعی کنیم، باید مستندات و ادله شرعی داشته باشیم... خداوند میتواند به مخلوقش بگوید که جان یا مال‌ت را بده و پیغمبر هم چنین حقی دارد و میتواند زکات وضع کند و بگوید ۲۰ درصد یا ۵ درصد بدهید یا خمس وضع کند که وضع کرده و مردم ما روی چشم می‌گذارند و التماس هم می‌کنند که مال را بگیرید و ما را حلال کنید. اما آیا این نظام مالیاتی به آنجا می‌رسد و آیا حکم رسول و حکم امام تجویز کرده است که ما این مقدار پول را از این مردم بگیریم؟..." وی افزود "در قانون مالیات‌ها مبحثی هم برای خمس باز شود تا تکلیف اینگونه کارها روشن باشد..."

حسین هراتی نماینده سبزوار در موافقت با لایحه مالیات‌های مستقیم داشت: "با توجه به این همه مسئولیت که دولت دارد، بایستی این هزینه‌ها را از جایی تامین کند و ما سه راه برای تامین درآمد داریم. اول، خمس و زکات و وجوهات شرعی است که در قانون اساسی به آن اشاره ندهد است. دوم، تکیه بر انفال است ولی باید بگویم که ما باید یک نسل سرمایه‌گذاری کنیم تا از ضرر دهی جنگل‌ها و معادن جلوگیری کنیم و آخرین منبع نفت است." وی افزود: "امروز نمی‌توان مثل گذشته به نفت تکیه کرد، چون امروز در جهان مصرف سوخت پائین آمده و فروش نفت 'اوپک' هر ساله

نمایندگان مجلس می‌گویند: "حرف آخری که با نمایندگان ملت و مسردم و مسئولین دارم این است که شما را بخدا بی‌آکیم روح اسلام را دریابیم."

"زمینگیر شده‌اند!"

نماینده مسجد سلیمان در مجلس می‌گوید: "گرانی و تورم چنگال‌ساز را بر حقوق محرومین جامعه می‌فشارد در این میان آنکه مرغ طوفان است و از طوفان باکی ندارد، طبقه مرفه است. مشکل زمین که در واقع عمده‌ترین مشکل اقتصادی مملکت ما است ظاهراً در پناه دیدگاه‌های رنگارنگ مخفی شده است و مردم فکر می‌کنند دست‌اندر کاران حل مسئله زمین خود زمین گیر شده‌اند."

جدام می‌باشد. محرومیت شهرستان اهر با ذکر پاره‌ای از ارقام زیر نشان داده می‌شود.

۸۱/۴ درصد روستاهای این شهرستان فاقد حمام هستند. این نسبت در مورد روستاهای دهستان‌های چهاردانگه دیلگه، ورگهان، یاقست، کلپیر، گرمادوز و پاره‌ای از همیس شهرستان ۱۰۰٪ می‌باشد.

۹۴/۲ درصد زنان مناطق روستائی این شهرستان بی سوادند. تعداد بزرگ این شهرستان ۵/۲ درصد نیاز آن و تعداد پرستار ۴٪ نیاز آن و تعداد تخت بیمارستانی ۴/۲٪ نیاز آن می‌باشد. ۹۹/۷ درصد روستاها از امکانات مخابراتی و ۹۵/۸ درصد این روستاها از امکانات پست دولتی محرومند. "معماری سپس خطاب به -

پائین می‌آید، زیرا هم منابع جدید نفت کشف شده و هم دنیا به منابع جدید انرژی مانند خورشید و باد دسترسی پیدا کرده و اینها جای نفت را تا حدودی گرفته‌اند."

هراتی در پایان افزود: "اگر سرمایه‌ها در کار تولیدی بکار روند، تشویق می‌شوند، ولی اگر کسی این سرمایه را در مسیر توزیع بکارباند - ازد و صاحب یک سرمایه باد آورده شود، از او بک مالیات معقول گرفته میشود!"

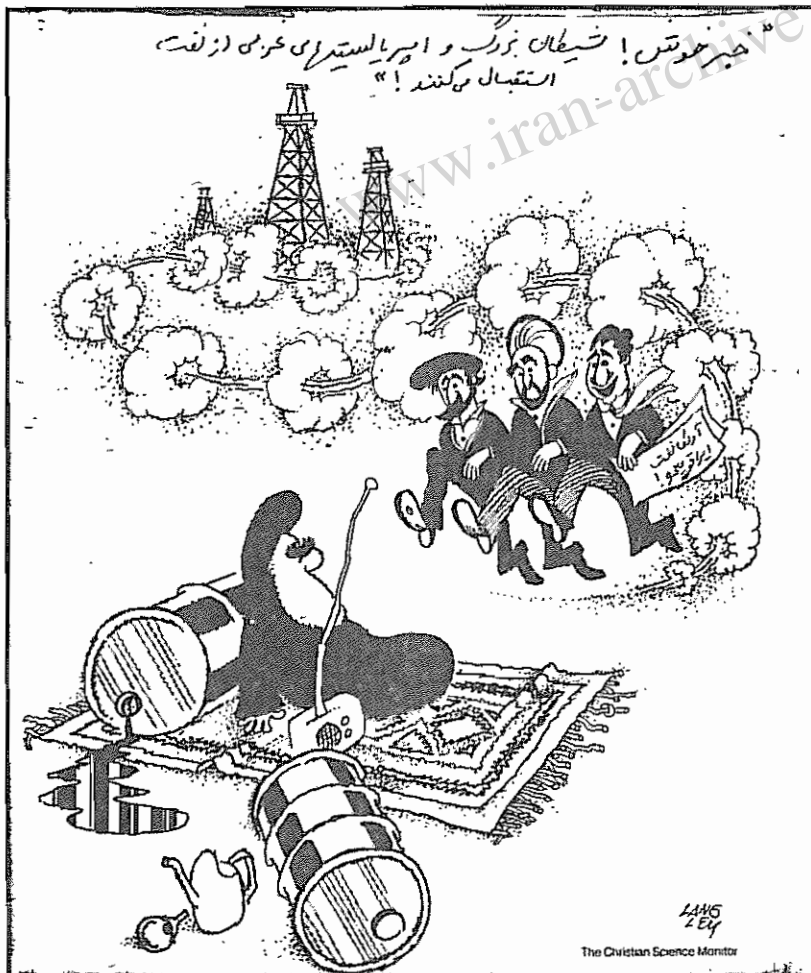
نمونه‌ای از زکارهای "عمرانی" رژیم در شهرها و روستاها

عطاء الله فضاغلی در مجلس گفت: "در سمیرم طرح‌هایی پیاده شده که چندین میلیون تومان بیت‌المال را هدر داده‌اند. کارخانه کمیوت - سازی با چندین میلیون تومان هزینه در مکانی بی‌آب ساخته‌اند و برای اغفال مردم آنرا افتتاح کرده‌اند. میلیون‌ها تومان پول بیت‌المال بعنوان آبرسانی شهر هدر رفته. با میلیون‌ها تومان هت‌یل تقلبی روی رودخانه های جنوب شهر می‌ریسند که در اولین بارندگی همرا آب می‌برد. کشا و رزان سمیرم چندین هکتار از بهترین زمین های زراعتی خود را در اختیار کارخانه پشم و طرح عنابیری گذاشته‌اند و طراحان مذکور میلیون‌ها تومان پول به منظور احداث کارخانه صرف کردند ولی از کارخانه خبری نیست فقط این طرح زمین های زراعتی خوب مردم را از کشت زرع خارج کرده و خسارتی به کشا و رزان سمیرم وارد کرد."

حقایق تلخ

از زبان نماینده رژیم

قاسم معماری نماینده اهر در مجلس می‌گوید: "شهرستان اهر از کشور لبنان نیز بررکتر است. دارای - اراضی حاصلخیز و امکانات زیربنایی و اجتماعی است اما از محرومتری - مناطق ایران بشمار می‌رود. قسمتهای از آن جزو مناطق آلوده به بیماری





باز هم درباره وضعیت اسفبار بهداشت و درمان در ایران

در "جهان" شماره ۲۲، "گشت و گذار" مان را به وضعیت اسفناک پزشکی در رژیم جمهوری اسلامی اختصاص داده بودیم، اما از آنجا که وضع بهداشت و درمان اسفبارتر از آن است که بتوان با یک شماره "گشت و گذار"، حق مطلب را ادا کرد، در این شماره مجدداً با هم به دیدار بیمارستانها و بررسی وضع بهداشت و درمان در جمهوری اسلامی میرویم. این کشت و گذار ما را با ابعاد دیگر وضعیت بهداشت و درمان و زندگی فاجعه آمیز مردم آشنا خواهد ساخت. ابتدا به حرفهای دکتر علیرضا مرندي که در راس وزارت بهداشت قرار دارد، گوش میدهم: "از جمله ناخفیهائی که سطح بهداشت کشورهای مختلف را نشان میدهد آمار مرگ و میر کودکان زیر پنج سال خصوصاً اطفال زیر یک سال میباشد که متأسفانه در این زمینه با توجه به آمار موجود، رقم مرگ و

میر اطفال زیر پنج سال در کشور ما حدود ۱۲۰ در هزار میباشد. از سوی دیگر عمر متوسط از معیارهای دیگر بهداشت عمومی در سطح جامعه میباشد. در ایران نزدیک به ۵۷ سال میباشد که این امر نشانگر فقدان بهداشت در حد مطلوب در سطح جامعه میباشد... در شرایطی که آب آشامیدنی در سطح کشور ناسالم میباشد و فاضلابها بطور بهداشتی جمع آوری و دفن نمیشود و زبالهها در سطح شهر پراکنده اند، این عوامل باعث نامطلوب بودن وضع بهداشت کشور و نیز بالا بودن میزان مرگ و میر اطفال میگردد... متأسفانه در حال حاضر برای هر هزار نفر فقط ۱/۵ تخت بیمارستانی موجود است که این میزان با توجه به کشورهای مشابه ایران در جهان سوم که برای هر هزار نفر ۴ الی ۵ تخت بیمارستان دارند حاکی از کاهش خدمات درمانی در کشور است... در کشور ما در حال حاضر برای هر سه الی چهار هزار نفر فقط یک پزشک وجود دارد، یعنی رقمی در حدود ۱۵ هزار نفر که از این تعداد ۱۲ الی ۱۳ هزار نفر فعال میباشند" (مباحثه با کیهان، ۲۸ آذر ۱۳۶۲).

نگاهی گذرا به این آمار و ارقام ارائه شده از جانب مرندي، وضع رقت بار بهداشت و درمان در کشور را نشان میدهد. البته بسدون شک این آمار نیز مانند تمام آمارهای رسمی رژیم تنها بخشی از واقعیت را بازگو کرده و ابعاد واقعی مسئله هنوز در پرده ابهام باقی است. با توجه به ارسال بسیاری از پزشکان متخصص به جبهه جنگ و اختصاص دادن تسهیلات بسیاری از بیمارستانها به ارتش و سپاه پاسداران، تعداد واقعی پزشک و تخت بیمارستانی که در اختیار مردم

عادی قرار می‌گیرد، بسیار کمتر از تعدادی است که وزیر بهداشت ادعا میکند. اما حتی همین ارقام نیز (در مقایسه با دیگر کشورها) نشانگر بحران عمیق جامعه در این مورد است. بطور مثال در اتحاد شوروی نامسلمان و بی‌خدا! برای هر ۳۰۰ نفر یک پزشک، در آمریکا برای هر ۶۱۸ نفر یک پزشک، در ترکیه برای هر ۱۸۰۰ نفر و حتی در مصر برای هر ۱۲۰۰ نفر یک پزشک وجود دارد.

بگفته‌م رندی عمر متوسط در ایران حدود ۵۷ سال است. اگرچه این رقم نیز بسیار بالاتر از رقم واقعی است، بسا اینحال نشانه مرگ و میر زودرس و سریع ناشی از عدم وجود درمان و بهداشت است بقول آقای مرندي، آب‌آشامیدنی در سطح کشورنا سالم بوده وضع زباله و فاضلابها از عواملی است که میزان مرگ و میر را بالا میبرد. در این مورد برگرفته های مرندي، بهتر است به گزارشی دیگر از کیهان مورخ ۲۶ آبان، در رابطه با آلودگی و بیماری زائی محیط شهر تهران رجوع کنیم:

"در حال حاضر مسئله ازدیاد تکثیر حیوانات ولگرد نظیر سگ و گربه و موس به عنوان یکی از مسائل بهداشت شهری مطرح شده است. در کنار این مساله که بتازگی نظردست اندر کاران بهداشت محیط و وزارت بهداشتی و سازمانهای خدمات شهری رابه خود جلب کرده است مسئله فقدان سیستم بهداشتی وضع فاضلاب شهری، پائین بودن سطح بهداشت بخصوص در محلات جنوب شهر و مناطقی حاشیه نشین، عدم وجود سیستم مناسب جمع‌آوری زباله و غیره را باید اضافه کرد. سطح بهداشت شهری بخصوص در مناطق مستضعف‌ترین پائین است.

کوچه‌ها پر از گردوغبار و آشغال هستند. آبهای آلوده فاضلابها در محلات پائین شهر مرتب جازی میشود. سیلها و نهرها و کانالهای آب از انبوه زباله پر است حیوانات ولگرد نظیر موس و سگ که عامل شیوع و سرایت بیماریهای مختلف هستند براحته بویژه شبها در گوشه و کنار شهر

تردد میکنند و روزبه روز به تعداد آنها اضافه میشود.

بگفته کیهان در بعضی از نقاط تهران مردم مجبورند که شبها بطور دسته‌جمعی و مسلح به چوب‌وجماق حرکت کنند تا از حمله سگهای هارمضون بمانندند. در واقع تهران از یکطرف در محاصره پاسداران مزدور است و از طرف دیگر در قرق سگهای هار! جالب است که برای حل این مسئله گشت جدیدی متشکل از پاسداران، کمیته‌ها و ژاندارمری بسه ضیا بانها ریخته‌اند تا سگها را بسا تیراندازی از پای در آورند! بگفته کارشناسان بهداشتی، با اینکه این شکل مبارزه تنها مبارزه با معلول است نه با علت و ولی فعلا بسرای خواباندن سروصدای مردم لازم است. البته آقای وزیر بهداشتی برای تمام مشکلاتی که در محاصره به آن اشاره کردند، راه حل "هم آراشه میدهند. ایشان ضمن گله از وضع نابسامان اقتصادی کشور، و ناراضی‌تی پزشکان پائین بودن نرخ خدمات پزشکی را گوشزد میکنند:

"اصولا در کشور تورم بالاست و سر اساس آماري که از سوی بانک مرکزی انتشار یافته است از سال ۵۹ تا کنون نرخ تورم ۱۰۰ درصد افزایش داشته است و بر اساس تحلیل اقتصادی که از سوی حزب جمهوری اسلامی عرضه شده است نرخ تورم از سال ۵۲ تا ۶۲ در رابطه با مسکن ۱۰ برابر، خوراک ۴/۵ برابر، پوشاک ۴/۵ برابر و خدمات پزشکی ۲/۸ برابر شده است."

یعنی که نرخ خدمات پزشکی بسه اندازه سایر احتیاجات مردم صعود نکرده و این علت اصلی است! یعنی اگر ویزیت دکترها چندین برابر شود نرخ بیمارستانها به اندازه مسکن بالا رود (۱۰ برابر)، قضیه حل خواهد شد! اندکی تعمق در گفته‌های مرندي نشان میدهد که وی دانش به حال اکثریت مردم ایران که از رفساه بهداشتی و پزشکی برخوردار نیستند، نسوخته است، بلکه شکایت وی این -

است که پائین بودن نرخ خدمات پزشکی باعث میشود که عرضه خدمات پزشکی کاهش پذیرد و بسیاری از دکترهای متخصص کشور را ترک کنند. بخاطر همین است که حتی همین اقلیت حاکم متشکل از آخوندها و وابسته‌گان نشسان پاسدارها و وابستگان نشان، سران ارتش و وابستگان نشان، بازاریهای محترم و معتقد و اهل بیت آنها، صاحبان صنایع و خانواده آنها و خلاصه سایر اعیان و انصار رژیم همه از نبود امکانات بهداشتی به‌واغ و اغ افتاده اند.

در زمان رژیم شاه به‌ازای هر ۲۷۰۰ نفر، یک نفر پزشک وجود داشت. ولی در عمل اغلب پزشکان در چند شهر بزرگ و بخصوص در محلات شمال شهر تهران متمرکز شده بودند. بطوریکه مثلا در شمال شهر تهران، برای هر ۱۰ نفر یک پزشک (از اتحاد شوروی هم جلوتر!) بود و برای هر بیست هزار نفر از توده‌های مردم یک پزشک هم وجود نداشت. بسا خروج تعدادی کثیر از پزشکان که عمدتا به خاطر فشار خفقان حاکم و همچنین نیز بدلائل مادی بود، سروصدای بالاشهریها و بولدراها و نور چشمی‌ها هم بلند شده است.

بهمین جهت است که آقای وزیر خواستار افزایش نرخ خدمات پزشکی، آتهم در مقایسه با افزایش مسکن کسه ۱۰ برابر ترقی داشته است، میباشد. در رژیم جمهوری اسلامی اقلیتی بسه غارت ثروت توده‌ها مشغولند و ایسن اقلیت با بیدمورد حمایت همه‌جا نجه قرار گیرد و بهداشت و وسایل رفاهش فراهم گردد. هدف مرندي نیز کاملاً روشن است: اگر بازار کار پزشکی در ایران رونق بگیرد، آنگاه تعدادی از پزشکان که تنها هدفشان پول درآوردن است حاضر به خدمت در ایران خواهند شد و وضع بهداشتی بالاشهریها رو برآه خواهد شد و برای توده‌ها هم که فسق نمیکند. زمان شاه بهداشت نداشتند، حالاهم نداشته باشند! چشمشان کور بسوزند و بسازند!

متحد اوطئه خائنین ضد انقلابی را خنثی کنیم!

توطئه‌ای که در جریان یورش ۱۲ مارس ۱۹۸۴ دستجات سیاه سلطنت طلب به "سپه یونیورسیته" پاریس بر ملا شوه‌دهش مطرح کردن خود در اذهان بین‌المللی و سرکوب خارج "توانستین" دانشجویان هوادار نیروهای انقلابی و مترقی بود، با ردیکرسمانگونه که کمیته خارج زکمروریا زمان چریکهای فدائی خلق ایران در اطلاعیه مورخ ۲۱ آوریل ۱۹۸۴ پیش‌بینی کرده بود، در هفت گزشته توسط بخشی از خائنین ضد انقلابی سر بلند کرد.

گروهی از کادرهای "اکثریت" (موسوم به جناح کنگره‌چی کشتگر) که در آذرماه ۱۳۶۰ در اوج همکاری با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در سرکوب بی‌امان توده‌های مردم و نیروهای انقلابی و از موضع دفاع بی‌چون چرا از آن طی بیانیه‌ای ظاهر با بدلیل تشکیلاتی آنهم بر اساس بافتاری بر "وحدتی اصولی، با پیدارویا کیزه" با حزب توده از جناح دیگر "اکثریت" (فرخ نگهدار) جدا شده بود روز جمعه ۲۴ تویه ۱۹۸۵ با سوءاستفاده از شرایط فراهم شده توسط دولت فرانسه شرایطی که بعد از یک سال مقاومت، رنگ خطرنا بودی کا مل تجمع سیاسی و محو هرگونه آزادی بیان و اندیشه را برای هم‌میهنان مبارز ایرانی به صدادر آورده است، آگاهانه و فرصت طلبانه به قصد طرح کردن و تحمیل خود با توسل به ابزار شائناز درصددیمزگراری در محوطه "سپه" برآمدند که این توطئه یونیورسیتی ویا هوشیاری خنثی گردید.

آنها که همانند هم‌ملکان خود، برصمد تقویت مسانی سیاسی-ایدئولوژیک "توده ایسم" و احیاء تشکیلات پوتالی آن با نامهای دیگری هستند، برایین باورند که همچون دوران قبل از قیام قادرند درواپسین دم حیات بنا به شرایط تغییر چهره دهند، با نفوذ در صف انقلاب تفرقه و دشمنی در بین نیروهای انقلابی را دامن زده و آتش خشم دانشجویان بر علیه رژیم جمهوری اسلامی را که دامنه آن تمامی عرصه‌های فعالیت سیاسی خارج از کشور را فرا گرفته است، خاموش سازند و آسرا از سیر انقلابی خود منحرف نمایند.

آنچه که روشن است دروغ برداری و سالیوسی سیاسی آنها در زمینه منتسب کردن خود به توده‌ها و به خلق برای یافتن جای باثی در جنبش اعتراضی رو به گسترش دانشجویان خارج از کشور نمی‌تواند هیچ فرد آگاه و مبارزی را دستخوش تریب و سیرنگ سازد. این جست و خیزها از نقطه نظری سیاسی، یعنی در تغییر صفت بندی های سیاسی فاش‌گرگونه ارتزاست، آنها امروز می‌توانند مدعی باشند که مخالف رژیم جمهوری اسلامی شده‌اند (هرچند که هنوز به ضرورت سرنگونی آن نرسیده‌اند و بدینال جناح دور اندیش‌اند) ولی با این تغییر موضع به هیچوجه نمی‌توانند این واقعیت را کتمان کنند که نزدیک به ۶ ماه آزرگار پیشاپیش ناآرام در همین سپه پاریس با ساطور، چماق و رنجیر به صف دانشجویان انقلابی و مترقی یورش آورده‌اند.

آنها رسوا تر از آنند که خدمات مشتاقانه و بی‌شائبه‌شان از آزمندیهای سرما به و همکاری عملی و نظری‌شان در سرکوب نیروهای انقلابی را پدیده یوشی کنند. دانشجویان انقلابی این را ساحتی می‌فهمند و خیلی هم خوب می‌فهمند که آنها به همان طریق که توانستند از یک رژیم ضد انقلابی، یک رژیم انقلابی و ضد انقلابیست با جهت گیری سوسیالیستی بیافرینند بهمان طریق نیز قادرند با پشت کردن به این رژیم و با ایقاع نقشن دلال گونه از یک بلوک قدرت دیگر دفاع کنند. در واقع امر آنها نیز از همان نوع بیاده‌های عرصه شطرنج تفکرات "توده ایسم" هستند و نگاهی به مقاله ضمیمه از نشریه کارروشنی این ماه راهم چون آفتاب نیروز عیان می‌سازد.

تغییر و تحولات سیاسی، امروز هوشیاری هر چه بیشتر را از ما طلب می‌کند، زیرا توطئه از طرف تمامی خائنین ضد انقلابی نه تنها در لحظه حاضر بلکه در آینده نزدیک مطلقا ناگزیر است. بهره برداری آنها از افراد ست عنصر در کردار و طرفداران "دمکراسی ناب" امری طبیعی است. باید با اتحاد هر چه محکمتر، در میان صفوف هواداران نیروهای انقلابی و مترقی و نیز جلب حمایت هم‌میهنان مبارز، به بنیاز رزه‌ای بی‌امان بر علیه آنها در قلمرو سیاسی-ایدئولوژیک دست زد. باید "خوش خیالی" آنها را در جهت استفاده از اختلاف نظرات سیاسی مابین نیروهای انقلابی و شائناز از شرایط خود ویزد "سته" به قصد تحمیل خود، از طریق تردیکاریا رجه و قاطعانه آنها به یاس مبدل ساخت؛ فقط در آن صورت است که توان ما در خنثی کردن تمامی توطئه‌ها دو چندان خواهد شد. در آن موقع است که ما بخشی از وظایف خود را در قبال جنبش انقلابی ایران بطور مجدداه انجام خواهیم داد.

بگذار این خائنین به توده‌های مردم "خوش خیالی" خود را در همین "سپه یونیورسیته" پاریس در همین روزهای جمعه با خود به گور ببرند، این مربوط به خود آنهاست. اما آنچه که به ما بر می‌گردد طرح صریح و روشن این ماله است: انجام بدون استثنا، اقداماتی همه جانبه برای افشاء بی‌امان و طرد متحدانه کلیه این عناصر.

کین و نفرت بر تمامی خائنین ضد انقلابی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برتر را با جمهوری دمکراتیک خلق

نا بود با دایمیریا لیسم جهانی به سرکردگی مبریا لیسم آمریکا ویا یگه دا خلیش

انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه

(هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران)

۸ ژانویه ۱۹۸۵

کانادا - مونترال

در اواخر نوامبر، هواداران سچفا در مونترال، جلسه بحثی را تحت نام "جنگ ایران و عراق و مواضع ما" برگزار کردند.

این برنامه با یک دقیقه سکوت آغاز شد. آنگاه مقاله تهیه شده یا توضیحات لازمه قرائت گردید.

سیس نیروهای شرکت کننده از جمله وحدت کمونیستی، راه کارگر، سهند و کومه و ... بمدت ۱۵ دقیقه وقت داده شد که نقطه نظرات سازمانی خود را حول مسائل مطروحه در مقاله بیان نمایند.

در این مقاله به برخورد های راه کارگر و مجاهدین نسبت به جنگ و راه حل آنها در مورد خاتمه دادن به آن انتقاد شد. در قسمت بحث آزاد، بر هر رقیب شرکت کننده وقت داده شد که صحبت نمایند.

در پایان برنامه هواداران سچفا به سئوالات طرح شده در رابطه با مقاله پاسخ دادند. برگزاری این جلسه فرهنگی نه تنها باعث شد که به مسائل تئوریکی در مونترال بیشتر دامن زده شود، بلکه جو پاسیو شهر را به حرکت درآورد.

کانادا - مونترال

در تاریخ جمعه ۷ دسامبر، از سوی انجمن دانشجویان ایرانی در مونترال، هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مراسمی جهت بزرگداشت "روز دانشجو" و همبستگی با انقلاب نیکاراگوئه برگزار شد.

در این برنامه بیش از ۱۴۰ نفر از هموطنان ایرانی و نیروهای خارجی شرکت داشتند. برنامه در ساعت ۷ بعد از ظهر با اعلام یک دقیقه سکوت بیاد شهیدان بخون خفته خلق شروع شد.

آنگاه مقاله‌ای تحت عنوان "۱۶ آذر و مبارزات دانشجویان" قرائت گردید. در این مورد مقاله





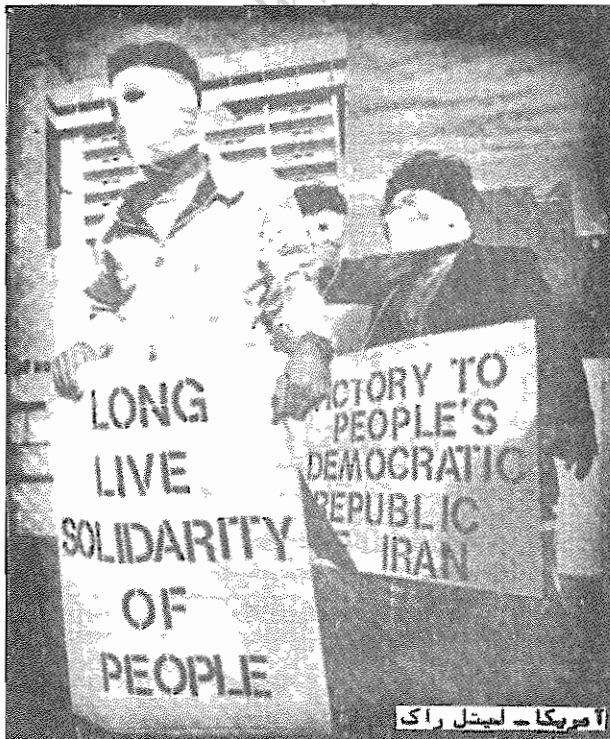
کوتاهی نیز به زبان فرانسه خوانده شد. در ادامه برنامه رفقای هوادار چند ترانه سرود اجرا نمودند. نیروهای خارجی شرکت کننده از شیلی، فیلیپین و سالوادور نیز موسیقی انقلابی و فولکلوریک را اجرا کردند. در این برنامه همچنین نیروهای خارجی سخانی کوتاه راجع به مبارزات توده های کشورهای خود و بحران اقتصادی - اجتماعی امپریا - لسیتها بسرکردگی امپریالسم آمریکا قرائت نمودند.

همچنین مقاله ای تحت عنوان انقلاب نیکاراگوئه و دستاوردهای آن به فارسی و فرانسه، قرائت گشت و اسلاید سوئی از مبارزات مردم نیکاراگوئه علیه امپریالسم آمریکا و انتخابات اخیر آن بنمایش گذاشته شد. در اختتام برنامه تئاتری بنام "تداوم" که شاندهنده مبارزات دانشجویان و پیشروان طبقه کارگر و دیگر اقشار در زندان رژیم شاه و رژیم خمینی بود، اجرا گردید و با استقبال شدید حضار روبرو گردید. در این برنامه پیامی از طرف جبهه فاراوندو مارتی، هواداران جبهه انقلابی نیلی میر (MIR) گروه ائتلافی علیه دیکتاتوری مارکوس - فیلیپین و هواداران سازمان انقلابی کارگران ایران (راه کارگر) در - کانادا قرائت گردید.

آمریکا - لیتل راک

در تاریخ ۲۵ تا ۳۰ سپتامبر، فالانزهای مقیم آمریکا، سمینار خود را در منطقه جنوب آمریکا، در شهر لیتل راک، ایالت آرکانزاس برگزار نمودند. فالانزها یکی از گرانترین هتل های این شهر را که کرایه هر اتاق آن حدود سبی ۵۰ دلار است، کرایه کردند. در این مدت این هتل ۱۵۰ اتاقه در دست در اختیار آنان بود. لازم به یادآوری است که فالانزها از ترس هواداران نیروهای انقلابی

سعی کردند که حتی الامکان این سمینار بطور مخفیانه برگزار نشود. رفقای هوادار سچفا بمحض اطلاع از این مسئله، تظاهرات اعتراضی خود را در مقابل هتل ترتیب دادند که یکی از هواداران سابق پیکار نیز با آن همکاری نمود، این - آکسیون افشاگرانه در سه کانال - تلویزیونی ایالت آرکانزاس و روز - نامه های این شهر، وسیعا منعکس گشت. بطوریکه خبرنگاران تلویزیون و جرائد ضمن مصاحبه با رفقا و تهیه فیلم و عکس، گزارش مفصلی در رابطه با جنایات رژیم جمهوری اسلامی و مزدوران آن در خارج از کشور درج نمودند. □



نیکاراگوئه

بنا بر گزارش روزنامه نیو-یورک تایمز مورخ ۱۶ ژانویه، قسمتهای شمالی ایالت یاناسا در طی زدوخوردهای شدید سه هفته‌ای که بین ساندینیستها و ضدانقلابیون رخ داد، مجدداً بدست نیروهای انقلابی افتاد و ضدانقلابیون متحمل خسارات و تلفات بسیار شدیدی شدند. از طرف دیگر، نیروهای دولتی و بخصوص مردم این نواحی نیز دچار صدمات شدیدی از جمله خراب شدن یک پل، از بین رفتن چندین دهکده گشتند، نیروهای ضدانقلابی با کمک آمریکا، اخیروا دست به قطع کردن برق، انفجار پل-های ارتباطی و... زده‌اند.

بنا بر گزارش همین روزنامه، علیرغم اینکه آمریکا ظاهراً ارسال اسلحه برای ضدانقلابیون این کشور را متوقف ساخته، با این وجود کشورهای مثل اسرائیل، هندوراس و السالوادور هنوز برای ضدانقلابیون نیکاراگوئه‌ای اسلحه ارسال میدارند. قابل توضیح است که ریگان در طی سخنرانی خود در روز ۲۴ ژانویه، ضمن انتقاد شدید به مجلس نمایندگان آمریکا که او را از ارسال اسلحه به ضدانقلابیون منع ساخته است، اشاره کرد: "دولت نیکاراگوئه امروز با دخالت در امور کشورهای مثل السالوادور، هندوراس و... کلیه همسایگانش را در این مناطق به خطر انداخته است و در این رابطه نیز از کشورهای مثل ایران، سازمان آزادیبخش فلسطین و... کمک تسلیحاتی میگیرد." (اشاره ریگان به ملاقات اخیر موسوی، نخست وزیر جمهوری اسلامی با نمایندگان نیکاراگوئه‌ای میباشد. اگرچه قصد موسوی از این سفر چیزی جز فریب مردم نیست، با اینحال مادیات دولت انقلابی نیکاراگوئه از سران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را مورد انتقاد قرار میدهم).

جامائیکا

بنا بر گزارش روزنامه گاردین، در اواسط ماه ژانویه بیست و هفت هزار تن از مردم جامائیکا علیه سیاست‌های سرکوبگرانه دولت و همچنین بخاطر اعتراض به بالا رفتن قیمت بنزین و سایر منابع سوختی (بنزین از ۲۰ درصد)، به خیابانها ریخته و با سوزاندن شاخه‌های درخت، جاده‌های اصلی شهر را بستند. اکثر مدارس و مراکز تجاری و دولتی بحالت تعطیل درآمدند. در زدوخوردهای که بین پلیس و مردم درگرفت، چندین نفر کشته و یا شدت مجروح گشتند. بدنیال این جریان، ویستون اسالند-ینگ، وزیر امنیت دولت جامائیکا، اعتراضات اخیر مردم این کشور را به عملیات جنایتکارانه عده‌ای وابسته که



راهپیمایی دانش آموزان نیکاراگوئه در اعتراض به دخالت آمریکا

توسط کوبا تربیت شده‌اند، نسبت داد. رهبر حزب کارگر این کشور نیز ضمن رد اتهامات مزبور اعلام کرد: "دولت جامائیکا میکوشد که از این طریق، عملیات پلیسی و سرکوبگرانه خود را علیه مردم افزایش دهد."

پاناما

در اوایل ماه دسامبر گذشته، هزاران تن از مردم پاناما، طی تظاهراتی علیه فشارهای اقتصادی و سیاسی دولت این کشور، اعتراض خود را اعلام داشتند. این تظاهرات که در آن بیش از ۱۵۰۰۰۰ تن شرکت داشتند، توسط انقلابی از نیروهای ابوزیسیون بنام "کمیته هماهنگی ملی کشور" سازماندهی شده بود.

هندوراس

بنا بر گزارش روزنامه نیویورک تایمز، روز ۲۲ ژانویه یک هواپیمای نظامی حامل ۲۱ سرباز آمریکایی که به مقصد هندوراس در پرواز بود، سقوط کرد و کلیه سرنشینان آن جان خود را از دست دادند. در همین رابطه مقامات پنتاگون اعلام کردند که - سربازان آمریکایی مزبور در رابطه با مانور نظامی مشترک بین نیروهای آمریکایی و هندوراس، که در ماه مارس سال جاری برگزار میشود، عازم هندوراس بودند. بخاطر این مانور، تعداد واحدهای نظامی آمریکایی در هندوراس از ۱۲۵ به ۱۳۰۰ رسیده است.

السالوادور

بنا بر گزارش روزنامه نیویورک تایمز، روبین زامورا، یکی از رهبران جبهه فارابوندومارتی، در روز ۲۲ - ژانویه اعلام نمود: بعنایت افزایش بحران سیاسی در السالوادور، - ملاقات با نمایندگان دوارته، رئیس

جمهور این کشور، عملایی نتیجه خواهد بود. زامورا ضمن اشاره به این مسئله متذکر شد که دولت دوارته - بعنایت عدم ایستادگی در مقابله جریانات راست افراطی و مقامات بسندبایه ارتش، عملاً از هرگونه ملاقاتی جلوگیری میکند. با سه قدرت رسیدن احتمالی برخی از عناصر راست افراطی در انتخابات ماه مارس، زمین - مذاکره بین چریکها و دولت از بین خواهد رفت.

۰۰۰۰۰۰

بنا بر گزارش رادیو چریکهای السالوادور، در اواسط ماه ژانویه، هواپیماهای ۴۷-۵۰ که به سلسله‌های کالیبر ۵۰ مجهز میباشند، تعداد زیادی از غیرنظامیان مناطق فقیر - نشین این کشور را به رگبار بستند. این هواپیماها جزء تجهیزات میباشند که اخیراً دولت آمریکا در اختیار دولت السالوادور قرار داده است. همچنین بر اثر حمله چریکهای السالوادور به یک مرکز قهوه در شرق سن میگل، ۵ سرباز کشته شدند و بیش از ۲ میلیون دلار خسارت وارد آمد.

اروپا

انگلستان

بدنیال سیاستهای ارتجاعی اخیر دولت انگلستان، حرکتهای توطئه‌آمیز و خائنانانه دیگری علیه اتحادیه سراسری معدنچیان و مبارزات غرور - آفرین ۱۰ ماهه آنان در حال تکوین است. این حرکت در زمانی شکل میگیرد که کلیه اقدامات سرکوبگرانه اخیر دولت و هیئت مدیره از جمله سیاست رشوه دهی، متوقف کردن موجودی اتحادیه، غیرقانونی اعلام کردن اعتصاب و... برندگی و تاثیر خود را از دست داده است. این حرکت جدید، تجزیه فیزیکی اتحادیه سراسری معدنچیان و اعمال مشابه دیگری است که اتوریته و استقلال آنها بخاطر خواهد انداخت. در برخی از نقاط

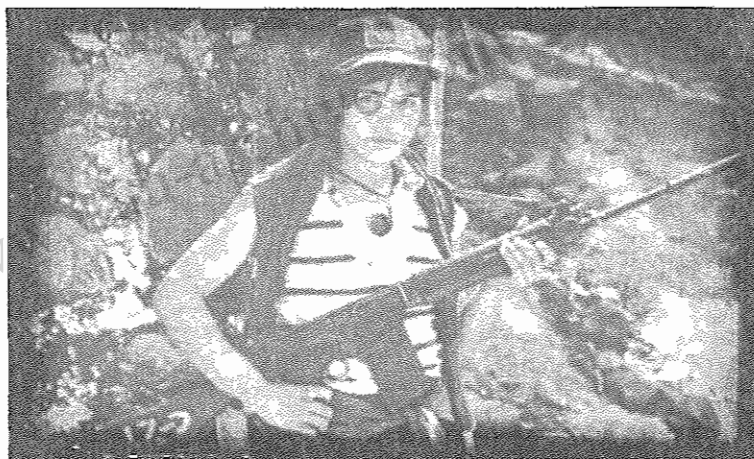
همچون ناتینگهام (بعلل گوناگون تاریخی - سیاسی معدنچیان این ناحیه از پیوستن به اعتصاب خودداری - ورزیده‌اند)، رهبران محلی اتحادیه به همراهی نیروهای ارتجاعی (کمیته کارگران غیراعتمایی، دولت و ۱۰۰) - نقطه نظارت خود مبنی بر استقلال تام محلی خود را از اتحادیه سراسری اعلام داشته‌اند.

شوروی

بنا بر گزارشی روزانه لوموند، چرنیکو طی مقاله‌ای در شماره آخر "کمونیست" ارگان کمیته مرکزی حزب اظهار داشته است: "مرحله تاریخی طولانی سوسیالیسم پیشرفته بدون هیچگونه اوتوبی، به عجله و یا فرار به جلو بایستی طی شود." وی گفته است که نمی‌توان اهداف غیرقابل حصول را در دستور کار قرار داد، چرا که بهای یک چنین اراده - گزائی، بطور اجتناب‌ناپذیری باید پرداخت شود.

سومالی

"جبهه دمکراتیک نجات سومالی" (FDSS)، اپوزیسیون مسلح رژیم



جریکهای السالوادوریا حملات خوددولت را به در سرا نداشتند

آفریقا

مراکش

یک اطلاعیه صحرایی که در روز پنجشنبه ۳ ژانویه در الجزیره منتشر شد، اعلام نمود که رزمندگان پولیساریو در اول ژانویه به نیروهای مراکشی در منطقه محیبین، واقع در شمال شرقی صحرای غربی حمله کردند. در این حمله، ۲۵۰ سرباز مراکشی به‌هلاکت رسیده و ۳۰۰ نفر دیگر از آنان مجروح شدند.

آفریقای جنوبی

سازمان وحدت آفریقا (OUA) در روز پنجشنبه ۳ ژانویه کشورهای آفریقای شرقی که حول حق فرود و پرواز شرکت‌های آفریقای جنوبی

این مذاکرات در حالی صورت می‌گرفت که وزارت دفاع، مخارج هنگفتی را صرف تحقیقات پروژه "جنگ فضایی" کرده است. با اینکه آمریکا تلویحا پذیرفته است که مسئله پروژه جنگ فضایی نیز مورد مذاکره قرار گیرد، با اینحال وزیر دفاع آمریکا صریحا اعلام داشته است که ریگان هیچوجه پروژه تحقیقاتی "جنگ فضایی" را رها نخواهد کرد.

برنامه نظامی کردن فضا، شامل استفاده از ماهواره‌های فضایی جهت آزمایش و نصب اجزاء سیستم معروف به Star Wars در سال ۱۹۹۰-۱۹۹۳ می - باشد. در این مورد آمریکا قصد دارد که افکار عمومی را کاملاً بی اطلاع نگاهدارد. در مطبوعات آمریکا کوچکترین توجهی به درخواست شوروی در این مورد نمی‌شود. از آنجا که تاکنون هیچگونه سیستم تسلیحاتی، بدون اینکه بودجه تحقیقاتی آن قطع شود، متوقف نشده است، موضوع قطع تحقیقات تسلیحات فضایی از اهمیت زیادی برخوردار است. اصرار دولت آمریکا در مورد این پروژه همچنین بحاطر منافع اصطلاحات امپریالیستی می‌باشد. زیرا این تحقیقات توسط کمیته‌های هائی صورت می‌گیرد که دولت به آن سفارشات تسلیحاتی می‌دهد. در سال ۱۹۸۱، از ۳۵/۵ میلیارد دلار بودجه تحقیقات دولت فدرال، بیس از ۷۱ درصد آن به وزارت دفاع اختصاص داده شده است. تحقیقات نظامی عمدتاً به شرکت‌های جرال الکتریک، جسرال دینامیک، راکول ... سپرده می‌شود.

آسیا

لبنان

روز ۹ ژانویه هواپیماهای جنگی اسرائیل یکی از مناطق چریک‌های فلسطینی واقع در دره بکا را که تحت کنترل سوریه می‌باشد، مورد حمله قرار دادند. منطقه فوق که واقع در ۲۵ مایلی بیروت می‌باشد، بعنوان یکی از مراکز مبارزه علیه ارتش بکار گرفته می‌شد. در طول سال گذشته ارتس اسرائیل ۸۱۶ عملیات بمباران علیه اینگونه مناطق صورت داده است.

ژاپن

بنابر گزارش روزنامه نیویورک تایمز، ۱۲۰۰۰ ژاپنی تظاهراتی را در بایگاه دریایی یوکوساگا، واقع در ۲۸ مایلی جنوب غربی توکیو برپا داشتند. تظاهرکنندگان، مخالف توقف ناو اتمی آمریکا در این بندر بوده و اعلام داشتند که دولت ژاپن قانون این کشور را مبنی بر عدم استفاده

موکادیشو) در روز چهارشنبه ۴ ژانویه اعلام کرد که حمله اخیر ارتس سومالی به مواضع خود در بخش "بالامباله" (مرکز سومالی) را درهم شکسته و ۶۴ سرباز دولتی را به‌هلاکت رسانیده است. این گزارش با اطلاعیه موکادیشو مبنی بر پیروزی ارتس در تناقض قرار دارد. اتیوپی نیز بنوبه خود هرگونه مشارکت در این درگیریها را که در مرز دو کشور صورت گرفته تکذیب کرد و ادعای موکادیشو را در مورد کشته شدن ۲۰۰ سرباز اتیوپی در این درگیری، بی‌اساس خواند.

آمریکا

بالاخره بعد از مدت‌ها تبلیغات امپریالیستی مبنی بر محدود کردن سلاح‌های هسته‌ای و برقراری روابط نزدیک‌تر با شوروی، جلسه مربوط به امکان برقراری مذاکرات در روز ۷ ژانویه در شهر ژنو برگزار گردید.

ویتنام

بدنبال وقایع اخیر در کامبوج و اتهامات وارده به ویتنام مبنی بر دخالت در امور کامبوج، سفیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام در سازمان ملل، "بیج سان"، طی یک مصاحبه مطبوعاتی در اواسط ژانویه گفت: "... در سال ۱۹۸۴ ضدانقلابیون خمرروز به همراه نیروهای تایلندی و سایر نیروهای ارتجاعی، حمله وسیعی را علیه دولت سوسیالیستی ویتنام، جمهوری خلق کامبوج و لاوس تدارک دیدند. چین نیز تجهیزات نظامی خود را به مرزهای ویتنام ارسال داشت. در این مدت شش شهر مرزی ویتنام توسط ارتش چین بمباران گردیده و صدها جاسوس برای تربیت ضدانقلابیون به جنوب اعزام شدند. ویتنام اخیراً ۱۱۹ جاسوس چینی را به محاکمه کشانده است. نیروهای تایلندی سه شهر مرزی لاوس را اشغال نموده و مستقیماً کامبوج را با نیروهای هوایی و دریایی مورد حمله قرار داده‌اند..." دولت ویتنام تصمیم دارد که طی چهار تا پنج سال آینده، کلیه نیروهای خود را از کامبوج خارج نماید.

فیلیپین

وزیر دفاع فیلیپین اخیراً طی سخنانی بخطر قدرت‌گیری کمونیست‌ها در این کشور اشاره کرد و گفت: "در سال گذشته در اثر فعالیت شورشیان کمونیست بین ۲۰۰۰ ارتشی و چریک کشته شدند." وی گفت: "موقعیت بحرانی است و حرکات کمونیست‌ها یک خطر جدی برای امنیت ملی ما می‌باشند." وزیر دفاع فیلیپین همچنین گفت: "مخالفتین قصد پیدا کردن پایگاه توده‌ای و کسب محبوبیت در جهت تهدید دولت را دارند." بنا بر گزارش پلیس اوایل ژانویه چریک‌ها یکی از دهکده‌های ماگیری جنوب جزیره منداناو را به تصرف خود درآوردند. دولت ادعا میکند که ارتش نوین خلق (NPA) دارای ۱۰ تا ۱۲ هزار چریک مسلح است و در ۷۲ منطقه کشور فعالیت می‌نماید.

سری لانکا

عمده‌ترین سازمان چریکی تا مول بنام سازمان آزادیبخش خلق تا مول، اعلام کرد که رابطه نزدیکی با جنبه خلق برای آزادی فلسطین (PFLP) دارد. همکاری این دو سازمان زمانی صورت می‌گیرد که دولت سری لانکا کمک‌های بیشتری را از دولت اسرائیل در امر سرکوب نیروهای مبارز دریافت می‌دارد. قابل ذکر است که دولت سری لانکا در سال ۱۹۷۰ با دولت اسرائیل قطع رابطه کرده بود. روابط دو دولت اخیراً بهبود یافته است.



آگهی‌های تجارتي و رقابت بورژوازي در چین رواج می‌یابد

انقلاب فرهنگی (۶۷-۱۹۶۶) در سطح بسیار بالایی با آن مواجه بودیم. وی سپس اضافه میکند: "اصول عقاید حزب کمونیست چین امروز همان است که تنگ شیائوپینگ گفته: "آزادی - افکار، حرکت از واقعیات و جستجوی حقیقت از چگونگی امر. اما این بدان معنا نیست که ما اصول م.ل. را رها ساخته‌ایم.!"



حمله ویتنام به خمرهای سرخ در مرز تایلند

از سلاح‌های اتمی زیرپا گذاشته است. در این تظاهرات، با پلیس نیز زدو خوردی صورت گرفت که طی آن ۴ نفر دستگیر شدند.

چین

بنابر گزارش روزنامه مردم، ارگان حزب کمونیست چین، ایده‌های مارکس برای چین امروز "نامناسب" ارزیابی شده است. این مقاله دومه پس از اعلام رقم‌های وسیع اقتصادی از طرف حزب کمونیست چین مبنی بر تقویت مالکیت خصوصی در بعضی از بخش‌های اقتصادی، درج شده است. این روزنامه می‌افزاید: "آثار مارکس مربوط به صد سال قبل است و امروزه تغییرات بسیاری شکل گرفته است. بعضی از این عقاید در شرایط کنونی مناسب نیستند، زیرا که مارکس، انگلس و لنین با مشکلات کنونی ما روبرو نبوده‌اند. بنابراین ما نمی‌توانیم از مارکسیسم-لنینیسم برای حل مشکلاتمان استفاده نماییم." این روزنامه سپس از قول "سوناوژی"، مدیر موسسه "مارکسیسم-لنینیسم و افکار ماو" اظهار می‌دارد: "من فکر می‌کنم پیدا کردن نقل قول‌هایی از کتاب‌های مارکس، انگلس و لنین همان دکماتیسم تیبیک باشد که ما در دوره

اتریش : «سوسیال دمکراسی در منطقه هاینبورگ مُرد!»



درختان و ورود ماسین های ساختمانی را به منطقه فراهم آورند. این عمل جسم و اعتراف عمومی را برانگیخت. بطوریکه دولت در روز - بعد با تظاهراتی سابقه ۴ هزار نفری در ویس روبرو شد. عسدهای ار داسکاهیان و داس آموران نیز با تعطیل کلاسهای خویس، به صفا اعتراض کنندگان پیوستند. این مسئله باعث گردید تا مباحث سیاسی جدیدی در بین مردم طرح شود و وابستگی دولت سوسیال دمکراسی اتریش به انحصارات سرمایه داری برای مردم اصلا گردد. برای مثال بر روی یکی از باندرول - ها نوشته شده بود: "سوسیال دمکراسی در منطقه هاینبورگ مُرد!". این آکسیون نشان داد که دولت های سرمایه داری نه تنها توجهی به بهداشت محیط زیست نمی کنند، بلکه "دمکراتیک" ترین آنها در صورت لزوم باز قهر ضد انقلابی و ابزار سرکوب استفاده می نمایند. بهر حال دولت اتریش با کسترس دامنه اعتراضات، عقب نشینی کرد و اعلام نمود تا پایان تعطیلات کریسمس، عملیات ساختمانی را متوقف خواهد کرد. علیرغم سخن این خبردرهفته آخر دسامبر، اسغال کنندگان همچنان به آکسیون خود ادامه دادند.

ساختمانی تا روشن شدن نتیجه ایس نظرخواهی عمومی، متوقف کردند. ولی دولت سوسیال دمکرات اتریش که سنگ آزادیخواهی را به سینه می زند، تهدید کرد که در صورت متفرق نسدن اسغال کنندگان، دولت از نیروهای انتظامی کمک خواهد گرفت.



روز بعد از اعلام این خبر، درگیری سیدی بیس پلیس و زاندارمرا از یک طرف و اسغال کنندگان هاینبورگ که اکنون تعدادشان نزدیک به سه هزار نفر بود، از طرف دیگر بوقوع پیوست. در این درگیری بیسار سی نفر زخمی و بیس از ۵۵ نفر دستگیر شدند. پلیس و زاندارمرا موفق شدند که ضمن محاصره چندین هکتار از مناطق جنگلی، امکان قطع

پس از مدتها بررسی و برنامه ریزی، سرمایه داران اتریشی با عنوان کردن مسئله "مبارزه با بیکاری و کاهش بحران و ایجاد محل کارهای جدید، طرح احداث سد و نیروگاه برق بر روی رودخانه دانوب را در منطقه هاینبورگ "Hainburg" عملی نمودند. منطقه مزبور که شامل چند صد هکتار منطقه جنگلی می باشد، جزء مناطقی تحت حفاظت سازمان محیط زیست اتریش بشمار می رود که در صورت احداث سد، اکثرا از بین خواهد رفت. و علاوه بر آن، به آبهای زیرزمینی منطقه نیز آسیب وارد خواهد کرد. بدنبال تصویب طرح مزبور از

طرف دولت و صدور اجازه عملیات ساختمانی، طرفداران محیط زیست به اعتراض پرداختند. این اعتراضات که ابتداء بصورت پخش جزوات افساء - کرانه بود، با نزدیک شدن موعد شروع عملیات ساختمانی، ابعاد گستردهتری یافت. مخالفین طرح مزبور که جزء نیروهای دمکرات و صلح طلب و بعضاً حب بودند، اقدام به اسغال منطقه مزبور نمودند و به ایجاد کمپ و زد جادر پرداختند. علیرغم سردی هوا و ریزش برف، تعداد اسغال کنندگان هاینبورگ به بیش از دو هزار نفر می رسید. آنها با ایجاد راهپندان و خوابیدن روی کف خیا بانهای اصلی، مانع ورود ماشینهای ساختمانی و ماسین های مخصوص قطع درختان شدند. مسئولین که ادعا داشتند که طرح پروژه مزبور روند ثانوی خویس را طی کرده و توسط گروهی از متخصصین تأیید گشته، اصرار می ورزیدند تا هرچه زودتر عملیات ساختمانی را شروع کنند. در اثر مقاومت اسغال کنندگان، دولت اتریش حاضر به مذاکره با نمایندگان آنان شد. نمایندگان مزبور ضمن طرح تقاضای همه پرسی عمومی در مورد سرنوشت این پروژه، خواهان آن شدند که عملیات

در حاشیه

انتخابات اسلامی

پاکستان



تظاهرات زنان پاکستانی در اعتراض به قوانین اسلامی (لاهور)

پس از هشت سال حکومت رژیم نظامی ضیاء الحق در پاکستان، روز ۱۹ دسامبر ۱۹۸۴ مردم این کشور شاهد انتخابات فرمایشی مبنی بر استقرار حاکمیت اسلامی بودند. رژیم ضیاء الحق بیابا الهام از رژیم جمهوری اسلامی ایران و فراندوم "آری یانه" سال ۱۹۷۹ آن، در این روز مردم پاکستان را با اعراب به پای صندوقهای رأی کشانید. هدف این انتخابات فرمایشی اسلامی کردن تمام قوانین جامعه منطبق بر قرآن و تفسیرهای آن بود. انتخاباتی که جواب "آری" نه تنها به معنی اسلامی کردن رسمی قوانین پاکستان، بلکه ادامه حکومت نظامی - دیکتاتوری ضیاء الحق برای ۵ سال دیگر بود.

مقابله وحشیانه رژیم دست نشانده پاکستان، که رسالتی جز حفظ و حراست از منافع انحصارات امپریالیستی ندارد، با مردم زحمتکش و تحت ستم، طی اسان زمامداری آن، مدها گشته و ۱۷ هزار زندانی به جای گذاشته است. در این سرکوبها، ارتش تا به دندان مسلح پاکستان که بعد از سقوط شاه با کمکهای نایان توجه امپریالیسم آمریکا (چهارمین کشور دریافت کننده کمک نظامی آمریکا) جای ارتش شاه در منطقه را پر کرده است، نقش اصلی را ایفا نموده است. البته جنبش حمایت از ضیاء نیز که در سال ۱۹۸۲ به درخواست

ضیاء الحق پیام "جنبش اتحاد پاکستان" تغییر نام داد، نقش مهمی در حمله به تظاهرات و سرکوب مبارزات توده های پسر عهده داشته است. این حزب همگسوس "حزب اله" در ایران، توسط دولتست بوجود آمده و رسماً از آن تغذیه میکند. همچنین رژیم ضیاء الحق به تبعیت از خمینی و دیگر دیکتاتورهای جهان همواره سعی نموده تا حرکات ترقی خواهانه مردم را توطئه دیگر کشورها نسبت دهد و رژیم افغانستان و هند را - تا مل اصلی این "ناآرامیها" معرفی کند.

اما واقعیت این است که بحران اقتصادی - سیاسی موجود در پاکستان پدیده ای جدید نبوده و در حقیقت تداوم بحران زمان کسب قدرت ضیاء الحق میباشد. سرقراری دیکتاتوری نظامی در سال ۱۹۷۷ نیز خود "راه حلی" - برای کنترل بحران موجود و جلوگیری از "خطر" اوگیری جنبش انقلابی بود. به موازات رشد جنبش توده ای در پاکستان و بویژه در ایران در سال ۱۹۷۷، به انحراف کشاندن مبارزات روز -

افزون مردم بر زمینه تعلقات مذهبی و از طریق ایجاد حکومتهای مذهبی که استثمار توده ها را در پوشش مذهب مشروعیت بخشند، مورد توجه استرا - تژیست های امپریالیسم قرار گرفت. چنین حکومتهایی که بمثابه دیوار مطمئنی در مقابل با جنبش کمونیستی و افسار زدن به مبارزات فدا مپریالیستی - دمکراتیک توده ها در منطقه، به شمار میرفتند، بهترین آلترنا تیوا مپریا - لیسم بود. از همین رو رژیم نظامی ضیاء الحق در آن مقطع با نام حکومت اسلامی پاکستان و با حمایت امپریا - لیسم آمریکا بقدرت رسید. اما انطباق تدریجی قوانین اسلامی با سیستم سرمایه داری وابسته پاکستان چندان آسان نبود و رژیم ضیاء الحق را با مشکلاتی مواجه ساخت و ناراضیتهای توده ای را دامن زد. با تشدید بحران اقتصادی و جوخفقان، تظاهراتی - توده ای در ایالات مختلف پاکستان شکل گرفت و ضیاء الحق را بر آن داشت که مسئله اسلامی کردن تمام و کما س

رژیمش را به منظور کنترل و تخفیف اعتراضات توده‌ها، جدی تر مورد توجه قرار دهد تا شاید از این طریق همچون رژیم خمینی بتواند چندصاحی با استفاده از توهم توده‌ها، رژیم خود را - سرپای نگاهدارد. از این رو در سال ۱۹۸۲ با زمینه سازی نیلیویا یک برنامه از پیش تعیین شده توسط - خود رژیم، روحانیون خواستار اجرای قوانین اسلامی در پاکستان شدند و ضیاء الحق نیز بلافاصله آنرا لیبیک گفته با برگزاری انتخابات کذائی "آری یانه" حاکمیت اسلام در پاکستان تحت رهبری نظامی ضیاء الحق در ۱۹ دسامبر ۱۹۸۴، تلاشها و برنامه ریزیهای کارشناسان امیرالیسم به ثمر نرسید.

قبل از انتخابات، ضیاء الحق در یک تور تبلیغاتی به استانهای مختلف پاکستان سفر نموده و در سخنرانیهای خود کارکنان دولتی و مردم را به شرکت در انتخابات تشویق نمود. در رابطه با شرایط شرکت رای دهندگان در انتخابات، ضیاء الحق به حیل جدیدی متوسل گشت تا دست مسئولین را در تقلب باز نگذارد. وی دستور داد تا، هیچگونه کارت شناسائی از رای دهندگان در هنگام رای دادن مطالبه نشود. همچنین در روز رای گیری بنا به فرمان ضیاء الحق، ۹۰ دقیقه به مدت رای گیری اضافه گردید.

چندی قبل از انتخابات، قویترین نیروی اپوزیسیون در پاکستان، جنبش برای بازگرداندن دیمکراسی، که از - اتحاد حزب بورژواشی تشکیل میشود و در مرکز ثقل آن حزب "مردم" (حزب - علی بوتو که در سال ۱۹۷۷ توسط کودتای ضیاء الحق از حاکمیت برکنار و در سال ۷۹ اعدام گردید، و در حال حاضر توسط همسر و دختر وی رهبری میشود) قرار دارد، انتخابات را تحریم نمود.

همچنین چند تظاهرات اعتراضی برگزار گردید. در این رابطه برای ارباب مخالفین، رژیم ضیاء الحق جرائم سنگینی برای کسانی که انتخابات را تحریم نمایند، مقرر نمود. این جرائم شامل ۳ سال زندان، پرداخت ۳۵ هزار

دلار جریمه نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی بمدت ۷ سال بود. بر اساس - گزارش خبرگزاری ریپبلیکا در انتخابات "آری یانه" در مورد اسلامی کردن - قوانین پاکستان و همچنین تمدید ریاست جمهوری ضیاء الحق، ۶۲ درصد از ۲۵ میلیون نفر حاضر شرایط رای دادن، یعنی ۱۹/۶ میلیون نفر شرکت نمودند و ۹۸ درصد شرکت کنندگان در انتخابات فرمایشی مزبور، رای "آری" خود را به "مندوقها" ریختند.

در رابطه با انتخابات مذکور، تظاهراتهای حونیستی در ایالتهای مختلف پاکستان انجام گرفت - تظاهرات ۳ هزار نفری در شهر لاهور مهمترین آن است. این تظاهرات نیز مانند سایر تظاهرات با حمله پلیس ضدشورش پاکستان و "جنبش اتحاد پاکستان" روبرو شد که در طی آن دهها نفر زخمی و صدها تن دستگیر گردیدند. همینطور ۱۹ دسامبر، روز - انتخابات فرمایشی و اسلامی کردن - رسمی جامعه، از طرف گروههای آروز - یسیون، "روز سیاه" نامگذاری شد. - کانون وکلاء پاکستان نیز از ۱۹ دسامبر ۱۹۸۴ تا ۱۳ ژانویه ۱۹۸۵ را "روزهای اعتراضی" اعلام نمود.

زنان پاکستانی نیز در حال بسیج مبارزه‌ای علیه قوانین اسلامی این کشور که حقوق انسانی آنها را بیش از تمام اقشار جامعه زیر پا می - گذارد، می‌باشند. بر اساس قوانین اسلامی جدید، هم‌اکنون شهادت دو زن مسعادتی یک مرد است. این قانون همچنین غرامت قتل زن مسلمان را نصف غرامت مرد مسلمان می‌داند. در این قانون قید گشته است زنانیکه "عممت" خود را حفظ نکرده و مورد تجاوز قرار گیرند، شدت تنبیه خواهند شد. "ساقیا بانو"، خدمتکاری که در اثر دو بار تجاوز حامله گشته بود و فرد متجاوز پیدا نشده بود، بجرم "فعالیت‌های جنسی نامشروع" به ۱۵ ضربه شلاق در ملا عام و سه ماه زندان محکوم گشت. در رابطه با حبس مقرر شده، چند تظاهرات توسط

Woman Action Forum که یک جریان سراسری متشکل از زنان تحصیل کرده و طبقه متوسط می‌باشد، سازماندهی شد. یکی از فعالین (WAF) اظهار داشت: "از زمان تصویب لوایح (قانون) فوق (در اصل همان قانون قصاص، خشونت علیه زنان افزایش یافته است (طبق آمار ۲۸٪). چرا که مردان بخاطر نفوذشان از زیر بار مجازات براحتی فرار می‌کنند و اثبات تجاوز به یک زن بدین ترتیب مشکل است."

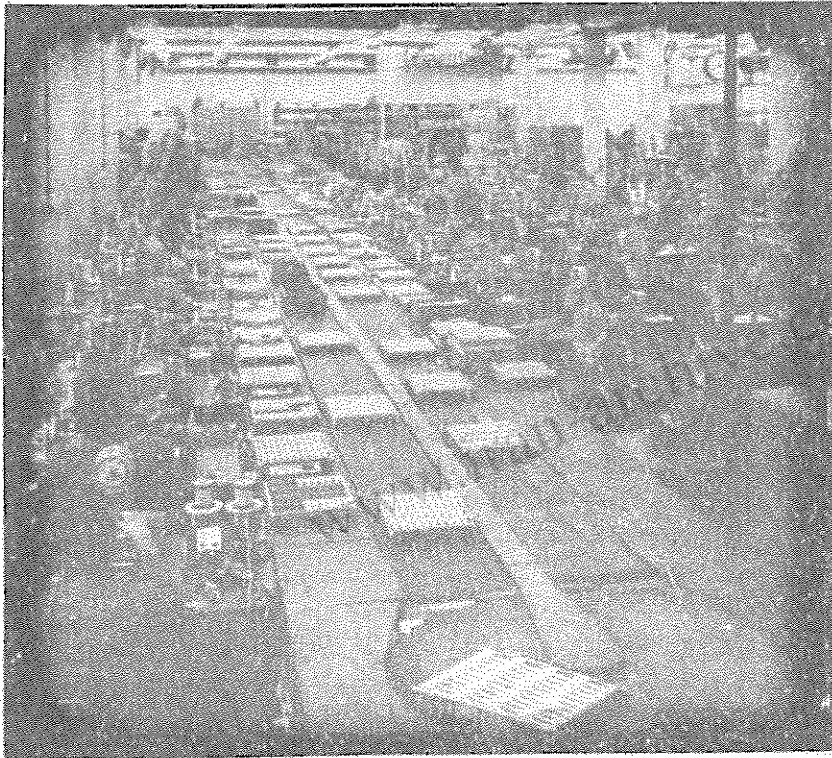
دادگاههای اسلامی همچنین تلاق زدن زنان و مردان را بجرم "روابط جنسی غیر زناشویی" به اجرا در می - آورند. بایستی یادآور شد در بروسه اسلامی کردن جامعه، تعداد زنانی که با لباسهای اسلامی (چادر و مقنعه) در انظار عمومی ظاهر می‌گردند، افزایش یافته است چرا که در صورت نداشتن بوسه اسلامی، ملقب به "غرب - گرا" گسته و ازدواج آنان توسط ملاها، ملغی می‌گردد. قوانین جدید تنها حقوق زنان را زیر پا گذاشته بلکه غیرمسلمانان را نیز تحت فشار قرار داده است. در این رابطه، (WAF) از اقلیت‌های پاکستان خواسته است که علیه سیاست‌های دولت مقاومت نمایند.

اگرچه بطر می‌رسد، جنبش اعتراضی علیه رژیم دیکتاتور ضیاء - الحق در ماههای آینده تداوم یابد، با اینحال فقدان یک سازمان انقلابی که بتواند آگاهی انقلابی را با جنبش خودبخودی توده‌ها پیوند دهد و رهبری جنبش را از دست نیروهای بورژوا - لیبرال خارج سازد، به خوبی محسوس است. پیروزی قطعی مردم پاکستان بر رژیم وابسته به امیرالیسم ضیاء الحق، تنها در گرو آگاهی، تشکل و سازمانیابی توده‌ها و تامين هژمونی پرولتری برجنبش است. بدون تشکل مردم پاکستان و نیروهای انقلابی آن طی مبارزه انقلابی کسب تجربه نموده و بویژه در سپاس لازم را از مبارزات مردم ایران علیه رژیم شاه و رژیم جمهوری - اسلامی فرا خواهند گرفت.

تجربه عملی مورد ارزیابی قرار گیرد و عمق انحرافشان از مارکسیسم - لنینیسم آشکار گردد. در این مقاله تحقیقی سعی شده است که عمدتاً از منابع دولتی و رسمی یوگسلاوی و آثار نویسندگان طرفدار سیستم خودمدیریت استفاده شود. ما مطالب زیر را به ترتیب مورد بحث قرار خواهیم داد:

- ۱- تشکیل دولت یوگسلاوی و مبارزات ضدفاشیستی،
- ۲- جدائی یوگسلاوی از اردوگاه سوسیالیسم،
- ۳- خودمدیریت کارگری به مثابه مدل جدید "سوسیالیستی"،
- ۴- مراحل مختلف استقرار خودمدیریت و مشکلات آن،
- ۵- نقش و وضعیت کارگران در سیستم خودمدیریت،
- ۶- تشدید بحران اقتصادی پس از مرگ تیتو، و
- ۷- ماهیت واقعی سیستم خودمدیریت: سوسیالیستی یا سرمایه‌داری؟

سیستم خودمدیریت کارگری که اولین بار در کشور یوگسلاوی بعنوان یک مدل اقتصادی-سیاسی به اجرا گذاشته شد، از اوایل دهه ۱۹۶۰ به بعد از طرف بسیاری از تئوریسین‌های "چپ جدید" به عنوان "راه سوم" برای اجتناب از سیستم سرمایه‌داری و جنبه‌های منفی سیستم سوسیالیسم دولتی در کشورهای اروپای شرقی معرفی و فرموله شد. بلورالیزم اقتصادی و سیاسی، تفسیری ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا (دولت سوسیالیستی) و رهبری حزب طبقه کارگر و تبلیغ دموکراسی مستقیم و اقتصاد غیرمتمرکز، که مضامین اصلی سیستم خودمدیریت است کارگری را تشکیل میدهد، در سالهای اخیر مورد توجه



تحلیلی از سیستم خودمدیریت در یوگسلاوی

(۱)

تشکیل دولت یوگسلاوی و مبارزات ضدفاشیستی

دولت یوگسلاوی در سال ۱۹۱۸ تحت عنوان پادشاهی سربها، کروآتها و اسلاوניה بوجود آمد. کشور یوگسلاوی، با جمعیتی حدود ۲۳ میلیون نفر و با مساحت ۲۵۵،۸۵۴ کیلومتر مربع در اروپای شرقی واقع شده است و با کشورهای ایتالیا، اتریش، مجارستان، رومانی، بلغارستان، یونان و آلبانی دارای مرز مشترک می‌باشد. ملیت‌های مختلفی در این کشور زندگی می‌کنند. سربها (Serbs) به همراه مانته نگرین‌ها (Montenegrins) و مسه دونین‌ها (Macedonians) حدود ۵۰ درصد جمعیت

تئوریسین‌های "اوروکمونیزم" نیز قرار گرفته است. نیکوس پلانزاس (Nicos Poulantzas) مهمترین تئوریسین "چپ جدید" در آخرین اثر خود بنام "دولت، قدرت و سوسیالیسم"، ضمن نفی کلیه کشورهای سوسیالیستی موجود تحت عنوان "دولت‌گراشی لنینیستی و استالینیستی"، راه حل خاص خود را برای انتقال به سوسیالیسم ارائه می‌دهد. "راه دموکراتیک به سوسیالیسم" وی بر دو محور اساسی استوار است: دموکراسی مستقیم و خودمدیریت (۱).

از اینرو بررسی تاریخی استقرار خودمدیریت کارگری و نتایج آن در یوگسلاوی خود فرصتی است تا جوهر واقعی تئوری‌های "چپ جدید" و "اوروکمونیزم" در

را تشکیل می‌دهند. کروآتیا (Croats) ۲۵ درصد جمعیت و اسلاونها (Slovenes) ۱۰ درصد جمعیت را شامل می‌شوند. ۱۵ درصد بقیه جمعیت نیز از ملیت‌های بوسنیانها (Bosnians)، وجودیمنها (Vojvodians) و کوسوواها (Kosovos) تشکیل می‌گردد.

امروز جمهوری فدرال یوگسلاوی شامل ۶ جمهوری Montenegro, Bosnia-Herzegovina, Croatia, Slovenia, Macedonia و Serbia و دو استان خودمختار Vojvodina و Kosovo می‌باشد. جمهوری‌های اسلاوینا و کروآتیا و استان خودمختار وجودنیسا تحت تأثیر فرهنگ و تکنولوژی غرب، از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردارند. سربها اغلب به کشاورزی اشتغال داشته و مردم بوسنیانها - هرزه گوینانها، که اغلب مسلمان هستند، از بقیه ملیت‌های یوگسلاوی فقیرتر می‌باشند. حتی امروز علیرغم تعدیل‌هایی که در نابرابری‌های بین ملیت‌های مختلف بوجود آمده است، رفاه اقتصادی و شیوه‌های مدرن زندگی در کنار فقر و شیوه‌های کهن معیشتی دیده می‌شود.

بعد از بوجود آمدن دولت پادشاهی یوگسلاوی در سال ۱۹۱۸، الکساندر، پادشاه این کشور، از پاشیک (Pasic) رهبر حزب رادیکال سرب دعوت نمود تا دست به تشکیل دولت جدیدی بزند. بخاطر وجود اختلافات تاریخی بین دو ملیت عمده یوگسلاوی، یعنی سربها و کروآتیا، حزب دهقانی کروآت تحت رهبری رادیک (Radic) شدیداً با این مسئله مخالفت نمود. با بالا گرفتن اختلافات ملی، ناآرامی‌های سیاسی به سراسر کشور گسترش یافت و الکساندر برای حفظ حاکمیت خود، در سال ۱۹۲۹ قانون اساسی را زیر پا گذاشت و دیکتاتوری سلطنتی خود را رسماً مستقر ساخت. مامورین دولتی که اغلب سرب بودند، به سرکوب شدید کلیه مخالفان دولت پرداختند. پس از ترور الکساندر در سال ۱۹۳۴ (توسط یک

نفر از اهالی مسه دونیا)، پسر عمویش پال (Paul) در صدد سازش با آلمان نازی برآمد. در سال ۱۹۴۱ قرار داد صلح بین آلمان و یوگسلاوی امضاء گردید. سازش دولت با نازیسم منجر به سورش توده‌ای گست و مخالفت بسیاری از کادرهای ارتش را برانگیخت. در ادامسه این شورشها، دولت سقوط نمود و پال تبعید شد. در سپتامبر ۱۹۴۱ حزب کمونیست یوگسلاوی به رهبری تیتو به منظور سازماندهی مقاومت توده‌ای در برابر نازیسم، یث مرکز فرماندهی در غرب سربیا تشکیل داد. بعد از حمله آلمان به شوروی، احساسات بان - اسلاویک و خاطره حمایت دولت شوروی از جنبش دهقانان سرب، دست به دست هم داده و توده‌های وسیعی را به صحنه مبارزه رساند. جنبش مقاومت عمدتاً از دو بخش تشکیل می‌شد:

- ۱- چتینیکها (Chetniks) که اغلب ناسیونالیست

بودند و رهبری آنها با میخائیلویک، ژنرال سابق ارتش بود.

۲- کمونیستها که از سازماندهی بسیار خوبی برخوردار بوده و پس از سالها تفرقه ملی، اتحاد کلیه خلق‌های یوگسلاوی را در دستور کار قرار داده بودند. در همان اولین سال مقاومت، حزب کمونیست (با ۸۰۰۰ عضو) به همراه لژیون جوانان کمونیست (با ۳۰۰۰۰ عضو) توانست با فداکاری‌ها و از خودگذشتگی‌های قهرمانانه خود، رهبری مبارزه را به دست گیرد. چتینیکها خیلی زود نفوذ توده‌ای خود را از دست دادند و از صحنه مبارزه خارج شدند.

در خلال جنگ، جبهه خلق، "کمیته برای آزادی ملی" را که در نقش دولت موقت بود، تشکیل داد که ۲ نفر عضو غیر کمونیست نیز در آن شرکت داشتند. کمی پس از پیروزی انقلابیون بر فاشیسم در سال ۱۹۴۵، جبهه خلق انتخابات برای تشکیل مجلس موسسان را برگزار نمود. در این انتخابات، کمونیستها به پاس مبارزه - قهرمانانه خود در خلال جنگ پارتیزانی، توانستند ۹۶ درصد آراء را کسب کنند.

برخلاف دیگر دموکراسی‌های خلقی در اروپای شرقی که در آنها ملی کردن صنعت، تجارت و خدمات در مراحل مختلفی انجام گرفت، دولت جدید یوگسلاوی پس از جنگ سریعاً در موارد فوق اقدام به دولتی کردن نمود. بروسه دولتی شدن در بخش کشاورزی با تاخیر صورت گرفت و بعداً نیز نیمه تمام باقی ماند. البته بعد از استقرار سیستم خود مدیریت و کاهش نقش دولت در اقتصاد، اداره و کنترل کلیه امور واحدهای تولیدی به خود آنها واگذار گردید.

جدائی یوگسلاوی از اردوگاه سوسیالیسم

در اولین سالهای پس از جنگ، دولت شوروی نقش بسیار مهمی در بازسازی اقتصادی یوگسلاوی و پایه‌ریزی تالوده‌های نظام سوسیالیستی ایفا نمود. از لحاظ تجارت خارجی نیز کشورهای سوسیالیستی ۵۰ درصد صادرات یوگسلاوی را جذب می‌کردند. به خاطر نقش شوروی در پروسه جنگ رها نیکس، روابط بین حزب کمونیست یوگسلاوی و حزب کمونیست شوروی تا سال ۱۹۴۸ بسیار حسنه بود و ژنرال تیتو در برنا رهبری‌های اقتصادی از مدل شوروی پیروی نموده و رهبری استالین و حزب کمونیست شوروی را می‌ستود.

با اینحال تحولات ناسیونالیستی در درون حزب که طی پروسه جنگ پارتیزانی به وجود آمده بود، در سال ۱۹۴۸ به اوج خود رسید. دولت شوروی در اعتراض به این مسئله، در بهار ۱۹۴۸ مذاکره برای تجدید قراردادهای تجاری بین دو کشور را به تعویق انداخت. تیتو نیز

در مقابل، جلسه کمیته مرکزی را فرا خواند و دولت شوروی را متهم به دخالت در امور داخلی یوگسلاوی کرد. از این پس روابط سیاسی بین دو کشور سخت به تیرگی گرائید و عناصر طرفدار شوروی در داخل حزب تحت فشار قرار گرفتند و Andrija Hebrang از کمیته مرکزی اخراج شد. شوروی نیز تمام مستشاران نظامی خود را از یوگسلاوی فرا خواند. در خلال این اختلافات کلاً سه نام از طرف دولت شوروی و چند نام از طرف تیتو رد و بدل گردید. حزب کمونیست شوروی در آخرین مکاتبه خود، حل شدن اختلافات را موکول به جلسه کمیته فرم نمود. اما از آنجا که ۸ کشور سوسیالیستی دیگر عضو کمیته فرم قبلاً تمایلات ناسیونالیستی حزب کمونیست یوگسلاوی را - مورد انتقاد قرار داده بودند، یوگسلاوی از شرکت در جلسه کمیته فرم خودداری کرد. (۲)

در ۲۸ ژوئن ۱۹۴۹، کمیته فرم با تصویب قطعنامه‌ای یوگسلاوی را اخراج نمود. در این قطعنامه آمده بود که رهبران یوگسلاوی از مارکسیسم - لنینیسم منحرف گشته و دارای تمایلات ناسیونالیستی و تروتسکیستی می‌باشند. آنها نقش حزب کمونیست را تقلیل داده، از گسترش مبارزه طبقاتی در بخش کشاورزی غفلت می‌نمایند. حزب کمونیست یوگسلاوی از قبول انتقاد سرباز زده و مخالفت با دولت شوروی را پهنه ساخته است. قطعنامه از عناصر سالم درون حزب خواست تا رهبران خود را وادار بیه - پذیرش انتقادات کنند. بعد از اخراج از کمیته فرم، عناصر چپ درون حزب تحت فشار بیشتری قرار گرفتند. هبرنگ و زوویک (Zujovic) از اعضای کمیته مرکزی دستگیر شدند. ژرال آرسو جوانویک (Arso Javanovic) فرمانده کل ارتش در حین فرار به رومانی، کشته شد. دو نفر دیگر از فرماندهان ارتش در حال فرار دستگیر و زندانی گشتند. بنا به اعتراف میلوان جیلان، ۱۵۰۰۰ طرفدار کمیته فرم (که ۷۰۰۰ نفرشان از افسران ارتش بودند)، دستگیر و به کمپ کار اجباری در جزیره Goli Otak در دریای آدریاتیک فرستاده شدند. (۳)

اختلاف اساسی بین شوروی و یوگسلاوی بر سر نقش دولت در اقتصاد بود. جیلان، ووکمانویک (Vukmanovic Tempo)، کیدریک (Kidric) و رنکوویک (Rankovic) به عنوان رهبران خط راست در درون حزب، شوروی را تحت عنوان سوسیالیسم دولتی و بوروکراتیک (بیا دولت - گراشی) محکوم می‌کردند و از اقتصاد غیر متمرکز و غیر دولتی پشتیبانی می‌نمودند. شوروی نیز معتقد بود که تمایلات ناسیونالیستی که سرانجام منجر به جدائی یوگسلاوی از سوسیالیسم خواهد شد، در حزب رخنه کرده است. اگرچه سیر رویدادها در یوگسلاوی در چند دهه گذشته، صحت نظارت دولت شوروی را به اثبات رسانده است، ولی با اینحال دولت شوروی می‌توانست در مبارزه

با انحرافات حزب کمونیست یوگسلاوی، از خود انعطاف - پذیری و شکیبائی بیشتری نشان دهد. حملات تند شوروی توده‌های ناآگاه و دارای تمایلات ناسیونالیستی را به دور تیتو که از محبوبیت فوق العاده‌ای برخوردار بود، گرد آورد.

بدنبال قطع روابط بین یوگسلاوی و کشورهای سوسیالیستی، صادرات کشورهای سوسیالیستی کاهش یافت و در سال ۱۹۵۰ قطع گردید. تاثیرات این مسئله بر اقتصاد این کشور بسیار منفی بود. در سال ۱۹۵۲ تولید صنعتی نسبت به سال ۱۹۴۹ به مراتب کاهش یافت. در این میان کشورهای امپریالیستی از خلاء موجود استفاده نموده و به کمک یوگسلاوی شتافتند. رهبران یوگسلاوی نیز که تا آن زمان حملات شدیدی علیه امپریالیسم آمریکا می‌کردند، برای بهره‌وری از کمک‌های غرب، راه معالجه و سازش در پیش گرفتند. همانطور که بعداً اشاره خواهیم کرد، در دهه‌های گذشته، یوگسلاوی شدیداً به اقتصاد امپریالیستی وابسته شده است.

با به قدرت رسیدن برژنف، تلاش‌های بسیاری برای بهبود روابط سیاسی بین شوروی و یوگسلاوی بعمل آمد و روابط تجاری بین دو کشور گسترش یافت. صادرات یوگسلاوی به کشورهای سوسیالیستی در سال ۱۹۸۰، ۴۴/۳ درصد کل صادرات آنرا تشکیل می‌داد. در این سال واردات - یوگسلاوی از کشورهای سوسیالیستی، ۲۹/۳ درصد کل واردات آن بود. این در حالی است که موازنه تجاری یوگسلاوی با کشورهای امپریالیستی در دو دهه گذشته، همواره منفی بوده است. (۴)

خودمدیریت‌گرای بامشا به مدل جدید "سوسیالیستی"

بعد از جدائی از اردوگاه سوسیالیسم و نفی ضرورت اقتصاد متمرکز سوسیالیستی تحت عنوان "بوروکراتیسم دولتی"، یوگسلاوی درصدد ایجاد سیستم سوسیالیستی خاصی که از "عوارض منفی" مدل شوروی مبری باشد، برآمد. بدیهی است که این سیستم قبل از پیاده شدن می‌بایست تئوریزه شود. اما رهبران حزب از لحاظ تئوریک ضعیف‌تر از آن بودند که بتوانند تئوری منسجمی در رابطه با سیستم خاص مورد نظر خود ارائه دهند. همانطور که لی دال (Lydall) کارشناس اقتصادی مسائل یوگسلاوی به درستی متذکر می‌شود، حتی امروز نیز پس از گذشت سه دهه از سیستم خودمدیریت، هنوز یک تئوری سیستماتیک در این مورد وجود ندارد.

تیتو در مقام رهبری حزب کمونیست، بیشتر یک کادر نظامی - تشکیلاتی بود و در طول عمر خود هیچگاه یک اثر تئوریک مهم ننوشت. تا قبل از جنگ جهانی دوم حزب کمونیست در مقایسه با سایر احزاب کمونیستی اروپای شرقی، از تجربه تئوریک و عملی چندانی